

کاتوزیان، غواص در دانه‌های عدالت^۱

علی اکبر گرجی آزندریانی

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

امیرناصر کاتوزیان (متولد ۱۳۱۰) را می‌توان استاد و اندیشمندی بی‌نظیر در سطح ملی و کم‌نظیر در سطح جهانی^۲ به شمار آورد. او، بی‌تردید به لحاظ دانش و بینش حقوقی یکی از وزنه‌های بلندپایه در ایران محسوب شده و در دیگر کشورها هم نظیر او کمتر یافت می‌شود. از این رو، فقدان چنین فردی برای جامعه علمی کشور جبران‌ناپذیر است. ایشان از نظر دانش حقوقی چنان در اوج بود که می‌توان او را صاحب سبک و صاحب فتوا دانست. تلاش بی‌وقفه، پرثمر و دراز دامن او شرافت تازه‌ای را به حقوق ایران بخشید و آن را از درافتادن در مرداب واپس‌گرایی و سراب نوگرایی افراطی برحذر داشت. ویژگی ممتاز استاد ناصر کاتوزیان در دوران حیاتش، این است که او هیچ‌گاه، شرافت حقوق و قداست عدالت و آزادی را به رذالت‌های سیاسی، اقتصادی و اداری نفروخت و این موضوعی است که می‌تواند برای دیگر حقوقدان‌ها درس‌آموز باشد.

گرچه، تبارشناسی اندیشه‌های استاد کاتوزیان در این مختصر ممکن نیست و نیازمند پژوهش‌های گسترده و ژرف‌تر است، اما رویکردهای کلی او را می‌توان در موارد زیر تلخیص نمود. ناگفته نماند هدف نوشتار حاضر، توصیف و ترسیم سیمای کلی اندیشه‌های استاد کاتوزیان است و تحلیل و نقد احتمالی آثار ایشان باید موضوع نوشته‌های جداگانه‌ای باشد:

۱- دکتر کاتوزیان را می‌توان یکی از پدران توسعه دانش حقوقی در ایران دانست. او متفکری کم‌نظیر در عرصه حقوق ایران به شمار می‌رود. در حقیقت، بارزترین ویژگی این شخصیت را می‌توانیم در تقید توأمان ایشان به مساله نظم حقوقی و عدالت بدانیم. کاتوزیان از معدود اندیشمندانی بود که اسیر ماشین بی‌رحم پوزیتیویسم حقوقی و دادرسی مکانیکی مبتنی بر آن نشد. اندیشه حقوقی استاد را می‌توان برآیند تلفیق نظم موضوعه با عدالت و حقوق طبیعی دانست. او از یکسو، به سمت عدالت و تحقق آن گرایش شدید نشان می‌دهد و فریاد می‌زند که ای عدالت مرا جزو سربازان خودت قرار بده و از سوی دیگر پایبندی خود به دولت قانونمدار را بی‌پیرایه عیان می‌کند: "در اجتماعی که بر مبنای قانون تشکیل می‌شود، همه باید خود را در پناه آن بیابند، از مفاد قانون آگاه شوند و از آن اطاعت کنند. دادرسی در خدمت مردم و حامی حقوق آنان است و قطع نظر از اعتقادهای شخصی، خود را مجری اراده عمومی یعنی قانون می‌داند"^۳. پس، می‌توان در نگاهی کلی، اندیشه‌های کاتوزیان را پلی بین حقوق موضوعه و ارزش‌هایی چون عدالت و آزادی دانست. او تذکر می‌داد که وجدان دادرسی در عرصه اجرا و تفسیر قانون باید جایگاه برجسته‌ای داشته باشد و به تعبیری این وجدان عدالت‌جو نباید آن قدر محدود باشد که نتواند در عرصه عینیات به قواعد عدل و انصاف عمل کند. به دیگر سخن، کاتوزیان اعتراف می‌کرد که پای استدلال حقوقی گاه چوبین است و اطاعت محض از قوانین دولت‌ساخته، گاه می‌تواند مخل اخلاق و عدالت باشد. او صادقانه معتقد بود که قانون را باید با عدالت جانی دوباره بخشید. قانون اگر با اخلاق و عدالت هم‌نوا شود، جان می‌گیرد. در غیر این صورت، قانون واژه‌ای بی‌روح بر صفحه کاغذ خواهد بود که مشکلی از مشکلات اجتماعی را حل نخواهد کرد.

۲- نکته دیگری که در بازشناسی اندیشه این بزرگمرد کم‌نظیر باید مورد توجه قرار گیرد، این است که کاتوزیان نه آنچنان شیفته مدرنیته حقوقی بود که اصالت خویش را از دست دهد و نه آنچنان برده سنت حقوقی که کرامت انسانی را قربانی آن بنماید. به همین دلیل، کاتوزیان را می‌توان استاد پرکشیدن از سنت به مدرنیته دانست. او هم‌زمان پایبندی در سنت و دستی در مدرنیته حقوقی داشت. کاتوزیان با رویکرد بومی‌گرایانه خود هیچ‌گاه ریشه‌های تاریخی حقوق ایران را به سخره نگرفت و صراحتاً اعلام کرد: "کدام عاقل است که آینه را بشکند و گذشته را در خلاء تاریخ جستجو کند... درست است که بخشی از این نوشته‌ها موضوع خود را در زندگی کنونی از دست داده و نیازها را برنمی‌آورد، ولی باغبانی دلسوز و آگاه به کندن علف‌های مزاحم و بیهوده می‌پردازد و درختان کهن را با پیوندهای نو، جوانی و شادابی می‌بخشد، لیکن باغ را ریشه کن نمی‌کند و زحمت باغبانی را به لذت گلچینی به جان می‌خرد"^۴. وانگهی، او هیچ‌گاه چشم و گوش بسته حقوق غربی را هم نپذیرفت: "در این میان عده‌ای هم فقط به حقوق اروپایی پرداختند، گویی در این کشور حقوقی وجود ندارد. یک نمونه آن کتاب حقوق مدنی مرحوم عدل است که اگر گاهی هم به فقه اشاره می‌کند، بسیار نپخته است. نمونه دیگر کتاب تعهدات مرحوم دکتر قائم مقامی

^۱ این متن در کتاب زیر منتشر شده است:

گرجی علی اکبر، *حقوقی‌سازی سیاست*، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.

^۲ گرچه، به دلیل عسرت تاریخی-سیاسی و جبر جغرافیایی، چهره استاد همانند بسیاری از نام‌آوران ایران‌زمین در دیگر کشورهای جهان شناخته نشد، اما بی‌تردید قوت فکر و جودت ذهن استاد را می‌توان هم‌تراز با حقوقدان‌های بزرگ دنیا به شمار آورد.

^۳ کاتوزیان ناصر، *مقدمه علم حقوق*، تهران: شرکت انتشار، چ. پانزدهم، ۱۳۷۱، یادداشت چاپ هشتم.

^۴ کاتوزیان ناصر، *حقوق مدنی: ضمان قهری، مسوولیت مدنی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص. ششم.

است. ایشان تحصیل کرده سوییس و مرد بسیار زحمت‌کشی بود، ولی حقوق سوییس را درس می‌داد و به حقوق ایران کاری نداشت. تفسیر وی از قانون مدنی نیز در سایه اصول حقوق سوییس بود، نه در سایه فقه یا حقوق اسلامی^۵.

پس می‌توان گفت، متودولوژی استاد کاتوزیان تلفیق حقوق مدرن با سنت‌های فقهی و حقوقی است. اندیشمندی که از یک سو دغدغه ملی، دینی و درون‌گرایانه را در خود می‌پروراند و از دیگر سو، نمی‌توانست توسعه‌نیافتگی در حقوق سنتی را تاب آورد. او خود در دیباچه کتاب *مسئولیت مدنی* به خوبی این روش تحلیلی را نمایان می‌سازد: "جهان کهنه‌سرایبی است که در گذشته‌های دور نیز مایه‌های اصلی آنچه را امروز نو و جدید می‌پنداریم در خود داشته است. مفاهیم نو فرزندان اندیشه‌های کهن هستند و ذهنی کنجکاو و پژوهشگر نمی‌تواند این حرکت را ندیده بگیرد و به مشاهده "آنچه هست" قناعت کند"^۶.

تحلیل تاریخی استاد کاتوزیان این است که بی‌توجهی به داشته‌های بومی با شکست روبرو خواهد شد: "کسانی که فقط در حقوق اروپایی کار کردند و دانش را از خارج وارد کردند، نتوانستند آن را بر شاخه درخت مناسب پیوند دهند و چیزی عایدشان نشد"^۷. در جایی دیگر می‌گوید: "فرزانه و رستگار کسی است که چشمی به گذشته داشته باشد و چشمی به آینده و بدین سان تمام حقیقت را ببیند. اگر ما به گذشته افتخار می‌کنیم معنایش این نیست که در گذشته استقرار پیدا کنیم، بلکه باید از آن برای رفتن به جلو تخته پرش ایجاد کنیم.... مدت‌ها است که هم و غم عده زیادی از دانشمندان ما صرف عقاید شیخ شده است. در جلالت قدر شیخ مرتضی انصاری کسی تردید ندارد، ولی از آن روز تا حالا همان اندازه که زمانه تغییر پیدا کرده، فقه هم باید تغییر می‌کرد، ولی این تغییر پیدا نشده است. ما باید این عقب ماندگی را جبران کنیم"^۸.

زیباترین جمله‌ای که استاد در مقدمه کتاب *ضمان قهری* در تبیین نگاه ترکیبی خود آورده، این است: "وانگهی در جهانی که با همه پیشرفت‌های صنعتی و علمی، از ساختمان‌های قدیمی و ظروف کهنه خود به عنوان میراث تمدن نگاهداری می‌کنند، دریغ است که ما از چنین منبع عظیم اندیشه‌های انسانی پاسداری نکنیم. من بدین توفیق سرافرازم که پای بر شانه‌های بلند قامت تاریخ این علم در جامعه خود نهم و از فراز آن بر افق بازتری نظر دوزم و شما، اگر این عروج دل‌انگیز را نمی‌پسندید، بر نردبانی عاریتی تکیه کنید و بر نخستین پله چوبین آن گام نهدید"^۹.

۳- نکته سوم که در شناخت استاد کاتوزیان - باید برای همه ما سرمشق باشد- این است که او روشنفکر بود، اما برج عاج‌نشین نبود. کاتوزیان روشنفکری بود که همیشه نگاهی نقادانه و عدالت‌گرایانه به عرصه عمل داشت. نگاه او به دنیا آکنده از دغدغه‌های انسانی و حقوق بشری بود. او برخلاف بسیاری از حقوقدانان، عرصه واقعیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را رصد می‌کرد و در بسیاری از مواقع از اظهار نظر عمومی و رسانه‌ای، استقبال می‌کرد. بنابراین، کاتوزیان هیچ‌گاه حضور در عرصه عمومی را خلاف شأن خویش نمی‌پنداشت. به تعبیر دیگر، کاتوزیان نخبه و نخبه‌گرا بود، اما هیچ‌گاه از این نکته غافل نشد که مقصد حقوق، عموم مردم است. حقوق دانشی انسان‌محور است که نطفه آن در خاک بسته می‌شود و اگر در بستری شایسته رشد کند می‌تواند انسان را تا ملکوت اعلا پرواز دهد. بنابراین، کاتوزیان در عین اینکه به معنای کامل کلمه به تخصص و مباحث علمی آکادمیک وفادار بود، همیشه دستی هم در عرصه عمل داش. (مانند نامزدی او در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی). حضور تاثیرگذار و فعال او در حوادث پیش از انقلاب در دانشگاه‌ها و نیز اظهار نظرهای مشارکت‌های او در حوادث پس از انقلاب و بخصوص حضور موثر او در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی، نشانگر این است که کاتوزیان هیچ‌گاه نقش علمی و آکادمیک صرف برای خود قائل نبود. او به مثابه روشنفکری بود که می‌بایست با "کاروان" تحولات اجتماعی "همراهی" کند. او به ایفای نقش تماشگری بسنده نمی‌کرد و در پاسخ به "ندای گنگ عدالت‌خواهی‌اش" خود را "چون پر کاهی" به "طوفان انقلاب" یا دیگر حرکت‌های مردمی پس از انقلاب می - سپرد^{۱۰}.

۴- آثار استاد کاتوزیان از لحاظ کمیت و کیفیت کم‌نظیراند. این آثار را می‌توان به سه دسته زیر تقسیم کرد:

دسته اول، عبارتند از آثاری که در حوزه **مبانی و فلسفه حقوق** نوشته شده است. آثار این بزرگمرد در زمینه فلسفه حقوق حداقل در ایران بی‌نظیر است. تا پیش از انتشار مجموعه چند جلدی دکتر کاتوزیان، ما اساساً کتاب جامعی در زمینه فلسفه حقوق نداشتیم. پس دسته اول آثار دکتر کاتوزیان، عبارتند از کتاب‌های مبانی، فلسفه حقوق، کلیات حقوق و مقدمه علم حقوق.

^۵ کاتوزیان ناصر، *گامی به سوی عدالت*، ج. دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۷، ص. ۳۵۹.

^۶ کاتوزیان ناصر، *پیشین*، ص. ششم.

^۷ کاتوزیان ناصر، *گامی به سوی عدالت*، ص. ۳۶۰.

^۸ همان، ص. ۳۶۱.

^۹ کاتوزیان ناصر، *پیشین*، ص. نهم.

^{۱۰} کاتوزیان ناصر، *گامی به سوی عدالت*، ص. ۴۱۰.

دسته دوم، کتاب‌هایی است که در زمینه **حقوق خصوصی** نگارش یافته‌اند. دکتر کاتوزیان در اکثر حوزه‌های حقوق مدنی صاحب اثرند. در زمینه اموال و مالکیت، ارث، وصیت، حقوق انتقالی، عقود و قراردادها، حقوق خانواده و ...

دسته سوم آثار دکتر کاتوزیان، نوشته‌های مربوط به **حقوق عمومی** است، یعنی آثاری که به مباحث حقوق عمومی و بویژه حقوق اساسی می‌پردازند. مثلاً کتاب "مبانی حقوق عمومی" ایشان، اولین کتاب تالیفی است که در این زمینه در کشور ما نوشته شده است. گرچه بعدها کتاب‌های دیگری در این زمینه تدوین و انتشار یافت، اما کتاب مبانی ایشان سال‌ها رقیبی بلامنزاع در دوره‌های کارشناسی ارشد حقوق عمومی بود. کاتوزیان برخلاف بسیاری از حقوقدان‌ها تاملات عمیقی در زمینه فلسفه حقوق داشت. از این رو، طبیعی بود که از فلسفه حقوق به مبانی حقوق عمومی و حقوق اساسی برسد و دیدگاه‌های خود را درباره قواعد حاکم بر عمل حکمرانی به تفصیل بیان نماید. حقوقدانی که در قاموس اندیشه‌گی خود عدالت را پررنگ‌تر تصویر کرده باشد، نمی‌تواند به کلان-گفتارهای حقوق بویژه حقوق اساسی بی‌التفات باشد. از این روست که نخستین کتاب مبانی حقوق عمومی در ایران، توسط یک استاد غیرمتخصص در زمینه این رشته نوشته شد. گرچه، برخی از حقوقدان‌های عمومی ورود استاد کاتوزیان به عرصه حقوق حکمرانی را نپسندیدند و بر او خرده‌ها گرفتند، اما در غیاب جامی که بتواند رندان تشنه لب حقوق عمومی را سیراب نماید، می‌توان آثار دکتر کاتوزیان در عرصه حقوق عمومی را همانند توتیا بر چشم کشید و آنها را عزیز دانست^{۱۱}:

کردم ز سنگ ریزه‌ی ره توتیای چشم
تا آنچه کس ندید بدیدم به صبحگاه

دکتر کاتوزیان مقالاتی هم در زمینه حاکمیت قانون، عدالت، حقوق بشر و ... نوشته است که می‌توان آنها را در زمره آثار حقوق عمومی ایشان دانست. کاتوزیان به فراخور زمان، یادداشت‌ها و مقالات پراکنده‌ای هم داشته است که نمی‌توان ارتباط آنها را با مباحث حقوقی نادیده گرفت (مانند یادداشت‌های گذری بر انقلاب، یا مقاله جشن استقلال الجزایر و آموختنی‌ها). از این رو، تحلیل اثرگذاری استاد کاتوزیان بر ژورنالیسم حقوقی در ایران را هم نمی‌توان نادیده گرفت.

برخی از آثار دکتر کاتوزیان ده‌ها بار تجدید چاپ شده و با شمارگان بالا مورد استقبال مشتاقان قرار گرفته است. مثلاً، کتاب کم نظیر "مقدمه علم حقوق" او بیش از ۶۰ بار با شمارگان بالای ۵۰۰۰ نسخه، منتشر شده است. این امر به خوبی نشان‌دهنده تاثیر این بزرگمرد در پراکنش فرهنگ حقوقی مدرن در کشور ایران است. گرچه، به گمان ما، راز توفیق این کتاب‌ها را می‌توان در سلاست و وزانت قلم، صراحت، صداقت و شجاعت نویسنده، منطق مستحکم و تسلط او به دانش و مبانی حقوق قدمایی و حقوق جدید دانست، اما مهمترین راز کامیابی دکتر کاتوزیان این است که قلم او نجواگر سرشک دل پر سوز و گداز اوست^{۱۲} و لاجرم آنچه از دل برآید عاقبت بر دل نشیند.

نگارنده اطمینان دارد که آیندگان دکتر کاتوزیان را بهتر از حال خواهند شناخت و آثار او تا سالیان سال تاثیر خودش را بر دانش حقوقی ایران خواهد گذاشت. در پایان، نمی‌توان از بی‌مهری‌هایی که در حق این اندیشمند بی‌نظیر روا داشته شد، ابراز تاسف نکرد. صرف نظر از اخراج یازده ساله او از دانشگاه، عدم استفاده از این متفکر برجسته در نهادهایی مانند شورای نگهبان، مجلس، قوه قضائیه یا مراکز پژوهشی راهبردی بی‌شک موجب خسران بزرگی شده است. شاید قوت رای، استقلال نظر و منش آکادمیک استاد مانع از آن بود تا برخی از مدیران سست عنصر و تنگ‌نظر، خود را در معرض مشورت‌گیری از ایشان قرار دهند. اما، به گفته خود استاد این دسته از نامهربانی‌ها نه تنها روحیه پژوهشگری و عدالت‌خواهی را در ایشان تضعیف نکرد و او را به "ترک شاهد و ساغر" نکشاند، بلکه باعث شد تا او با قدرت بیشتری به غواصی طربناک خود در میکرده عشق و عدالت بپردازد و عاشقانه دردانه‌های صید شده‌اش را در اختیار جویندگان حقیقت و انسانیت قرار دهد. به قول آن رند بی‌همتای شیراز:

من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم
محتسب داند که من این کارها کمتر کنم
عشق دردانه‌ست و من غواص و دریا میکده
سر فرو بردم در آن جا تا کجا سر برکنم
عاشقان را گر در آتش می‌پسندد لطف دوست

^{۱۱} گرچه نقد این آثار در جای خود امری مبارک و بس مستحسن است.

^{۱۲} "خدایا... گام‌هایم را به راهی که هدایت فرمودی استوار کن و مزید نعمت بدین فرما که پیوند خویش با سالکان راه حقیقت و جویندگان راه عدالت جاودانه سازم و توشه ناپیزی را که اندوخته ام به پایشان بریزم؛ پیوسته در این کاروان روم و زینهار در کنار ستمگران قرار نگیرم". رک. کاتوزیان ناصر، مقدمه علم حقوق، یادداشت چاپ پنجم.

تنگ چشمم گر نظر در چشمه کوثر کنم